

لبنان



اعتراضات گسترده ی مردم لبنان از کلیه ی اقشار طبقاتی موجب سقوط دولت بی کفایت لبنان شد

امین بیات

اعتراضات خشمگین و متحد مردمان لبنان امروز بازتاب جهانی بخود گرفته، مردم لبنان به درستی علیه مسئولان بی کفایت و نا کار آمد دولت لبنان، اعتراض به بی کفایتی در اداره امور کشور و آنها را "مسئول انفجار" و کشتار مردم قلمداد کرده اند، رویدار مصیبت بار بندر بیروت انعکاس عظیم انفجار موجب شتاب مبارزات اجتماعی مردم لبنان را ده چندان افزایش داد، دامنه اش آسمان تهران، دمشق و بغداد را روشن نمود و اعتماد عمومی را کلا از این دولتها سلب کرد، و خواب خوش حزب الله، سپاه قدس را به وحشت و پریشانی تبدیل نمود.



جوانان لبنانی در روز های پس از انفجار با بر پائی تظاهرات خشمگین خود باعث سقوط دولت لبنان شدند. و نوک حمله ی تظاهرات جوانان علیه حزب الله لبنان و نظام جمهوری اسلامی بوده، شعار های تظاهرات نشان داد که دیگر مردم لبنان نه به این دولت اعتمادی دارند و نه به جنگ نیابتی که حزب الله که از جانب سپاه قدس پشتیبانی نظامی و مالی میشوند و همچنین خواهان خلع سلاح حزب الله و کوتاه شدن دست جمهوری اسلامی از سر مردمان لبنان میباشند و

بیان کردند که دیگر تقسیم بندی مذهبی و طایفه ای را برای حکومت و دولت لبنان نمی پذیرند.

بنظر من تا مادامی که دست خون آلود سپاه قدس از بالای سر جوانان لبنان بطور جدی و قاطع کوتاه نشود و حزب الله که روی دیگر سکه سپاه پاسداران جمهوری اسلامی هستند خلع سلاح نشوند و جمهوری اسلامی با همت مردم ایران سرنگون نگردد نه مردم ایران و نه مردم لبنان و سوریه و عراق روی آزادی نخواهند دید.

جوانان لبنانی معتقدند که هر شهروند لبنانی دارای یک رای میباشد و می پندارند که حیات سیاسی اسلام گرائی بنیادگرا که عملکرد سیاسیش در ایران علیه مردم ایران ثابت شده، دیگر اعتباری ندارد و باید به دولتهای مذهبی خط بطلان کشید.

پس از انفجار در بندر بیروت در واقع اداره لبنان توسط سه قوه که در مجلس تصویب کرد، زمام امور را به ارتش واگذار نمود زیرا وضعیت بصورت اضطراری و انفجاری بود.

لبنان از لحاظ تاریخی قسمتی جدا شده از سوریه و همچنین از امپراطوری دولت عثمانی و همیشه تحت سلطه و زیر نفوذ سیاستهای دولت استعمارگر فرانسه، بوده است.

اشغال لبنان توسط اسرائیل در سال 1982، کشتار در اردوگاه صبرا و شتیلا تحت نظارت دولت صیهونیستی اسرائیل، همراه با خروج نیروهای متجاوز فرانسه و آمریکا از خاک لبنان پس از حملات حزب الله در سال 1983 که مستقیم از جانب جمهوری اسلامی هدایت و پشتیبانی نظامی شد، از جمله مهمترین رویدادهای کشور لبنان بوده است.

در حال حاضر جنوب لبنان زیر مجموعه و در تحت سیطره ی حزب الله یعنی جمهوری اسلامی و سپاه قدس تا قبل از انفجار بوده است.

حزب الله بدون حمایت مالی میلیاردری از سرمایه های مردم ایران و تجهیزات نظامی نمیتوانست نه چنین عرض و اندامی در لبنان راه بیندازد و بدستور سپاه قدس رفیق حریری را بقتل برساند که محاکمه ی مضمونین به بقتل در این روزها محاکمه شوند.

سازمان ملل متحد در طی صدور قطعنامه ای خواستار خلع سلاح حزب الله بعنوان عاملین قتل رفیق حریری شده بود و اخیرا دولت آلمان تشکیلات حزب الله لبنان را یک تشکیلاتی تروریستی شناخته است.

حامی اصلی حزب الله در لبنان جمهوری اسلامی در رکود اقتصادی بسر میبرد و این رکود تأثیرات بالقوه منفی بر تشکیلات تروریستی حزب الله داشته است و موجب حاد شدن شرایط معیشتی آنها نیز گردیده است. و باعث کم شدن مداخله ی حزب الله و سپاه قدس در جنگ سوریه که برایشان جنبه حیاتی داشته، شده است.

بهر حال هنوز برای افکار عمومی روشن نیست که عامل اصلی این انفجار مهیب چه بوده، یا چه کسانی، و یا چه دولتی دست به این جنایت زده است، البته در خبرها بود که در سال 2013 بدلیل نامشخص یک کشتی روسی حامل 2750 تن نیترات آمونیوم در بندر بیروت پهلوی گرفت و در سال 2014 به یک انبار انتقال داده شد، که حزب الله حاکم بر این بندر و انبار، بوده است.

با نگاهی عمیق و کنجکاوانه و با برداشتهای نئی از پیش فرضها میتوان به این نتیجه رسید که این انفجار از قبل بر نامه ریزی شده و تدارک دیده شده بوده است، بهیچوجه نمیتواند خود بخود صورت گرفته باشد، و حتا حزب الله در گذشته از این مواد جهت درست کردن بمب انفجاری دستی در جنگ سوریه استفاده میکرد است، آنهم پس از چندین سال که در این انبار نگهداری میشده است، این انفجارها و آتشسوزیها در منطقه و بخصوص در ایران دارای دامنه وسیعی بوده که تا کنون با انواع دروغها و دسیسه چینیها آنها را خود بخودی و یا نقض فنی به افکار عمومی جلوه داده اند، آتشسوزی جنگلها، موسسات صنعتی، نطنز و امثالهم که همه عمدی صورت گرفته است، برای نمونه آتشسوزی در انبارهای مواد غذایی در سوریه و انبار گندم در بندر بیروت، عمدی بودن مسئله را بیشتر قابل فهم میکند.

درواقع میتوان به این حدس و گمان بیشتر تکیه نمود که منافع اقتصادی کشورهای سرمایه داری آمریکا، فرانسه، عربستان، ایران، روسیه و بالاخره چین هر کدام برای تامین منافع و بردن سود، قابل تعمق هستند، همچنان که مکرون شتاب زده داستان استعمار کهن را نوید داد و زنده کرد.

“صندوق بین المللی پول” در گذشته نه چندان دور خبر “فرو پاشی” لبنان را داده بود، و نخست وزیر لبنان را که باید پیشنهاد این موسسه امپریالیستی را می پذیرفت و در این مورد بود که میلیاردها دلار از “صندوق کمک های مالی” آزاد شد.

صدا و آتش مهیب این انفجار پیام روشن دست اندر کاران جاده ی

ابریشم سازمان همکاریهای شانکهای هم میتواند باشد، دولتهای ایران، چین و سوریه پیشقدم سرمایه گذاری در بیروت با شتاب شده اند، و از طرفی باید این مسئله را نا دیده بگیریم که هدف آنهایی که این انفجار را انجام داده اند، علاوه بر تداوم ورشکستگی اقتصادی، تحمیل قحطی، گرسنگی و در نهایت کشیده شدن منطقه نفت خیز خاور میانه به وابستگی، و بردن ثروت ملی مردمان این منطقه، نمونه بارز و روشن قضیه پیشنهاد "قرار داد" 25 ساله ی چین به جمهوری اسلامی و پیشنهاد "قرار داد" بیست ساله ی روسیه به جمهوری اسلامی، همه حکایت از برنامه های دراز مدت تحت نام بازسازی و سرمایه گذاری، ولی در حقیقت تداوم سلطه و چپاول ثروت ملی مردمان این منطقه میباشد.

شعار مردم در خیابانهای بیروت بطور کلی خواهان تغییرات اساسی و سیاسی گسترده بوده است و در این ارتباط بصورت نمادین اعدام میشل عون رئیس جمهور، حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان و حسان دیاب نخست وزیر لبنان را به نمایش در افکار عمومی جهان، گذاشتند.

از لحاظ اقتصادی میزان بدهی لبنان در سال 2019 یکصد میلیارد دلار معادل 150% کل تولید ناخالص داخلی در لبنان بوده است، از دیدگاه کارشناسی دولت لبنان ورشکسته بود، بعلت بدهکاری، و همچنین فساد اقتصادی سیستماتیک، و سوء مدیریت، نا کارآمدی در دولت های لبنان نهادینه بود و امروز پس از این انفجار کاملاً با شرایط بسیار اسفناک روبروست که برآورد کرده اند حد اقل 15 میلیارد دلار دیگر بر اقتصاد ورشکسته ی لبنان افزوده گردیده است، بندر اصلی لبنان بیروت که مرکز تجاری و مدخل واردات مواد غذایی بوده کاملاً ویران شده و غیر قابل استفاده، لبنان در حال حاضر مستعصل از تامین دارو و مواد غذایی است.

آیا مدیریت این وضعیت اسفبار درتوان رهبران فاسد لبنانی هنوز هست یا نه که بهمین دلیل معترضان درخواست کمک از دولت فرانسه و اتحادیه اروپا کرده اند که به زبان دیپلماتیک باز گشت لبنان به دوران تحت سلطه ی فرانسه است.

آنچه را که سپاه قدس جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان را وادار به تلاش مذبوهانه کرده است، ترس و وحشت آنها از بر ملا شدن مسائل ساختاری مخفی نگهداشته شده، مناسبات سیاسی فی مابین این دو جریان تروریستی یعنی سپاه قدس و حزب الله لبنان که پس از جنگ

داخلی در لبنان در سال 1990 ما بین این دو جریان بر قرار شد.

بهر حال ما چه بخواهیم و چه مخالف یا موافق باشیم ، شکل گیری یک نیروی سیاسی جدید در لبنان آشکارا خود را بیان خواهد نمود که دارای چشم انداز روشنی فعلا نیست، و دولتهای خارجی منافع طلب و سلطه جو خواهند توانست از ضعف سیاسی ، اقتصادی و نظامی لبنان استفاده ببرند، رد و مخالفت با قطعنامه تمدید تحریم تسلیحاتی در رابطه با جمهوری اسلامی در شورای امنیت سازمان ملل متحد ، تنها به این منظور بود که فروش هر چه بیشتر تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی صورت بگیرد و دولت تروریست و متجاوز اسلامی با ایجاد نا امنی در منطقه سودهای میلیاردری در جیب کشورهای صنعتی ریخته شود، و حزب الله لبنان را حمایت کرده و به نا امنی در لبنان دامن بزند تا چند صباحی بتواند به حکومت ننگین خود ادامه دهد.

آیا حزب الله لبنان که کانون وحشت و ترور و در "عمق راهبردی" مقاومت قرار دارد میتواند ادامه زندگی مسلحانه و تروریستی خود را حفظ کند؟ بنظر من نه، اگر وضع مالی جمهوراسلامی بصورت فعلی ادامه یابد و روزه روز کمتر شود اثرات آن مستقیم بر پیکر حزب الله خواهد نشست و آنها خلع سلاح و متلاشی، خواهند شد.

مردمان آزادیخواه جهان باید همبستگی خود را با مبارزات استقلال طلبانه مردم لبنان همسو کرده و از مطالبات بحق مردم لبنان دفاع و پشتیبانی کنند و اظهار انزجار و تنفر از مسببین انفجار بندر بیروت در لبنان بکنند.

21.08.2020